

مروری بر نظریات و تجارب موجود در زمینه تجمیع روستایی

تجربه های موجود در زمینه تجمیع روستاها و پروژه های اسکان ● قسمت دوم و آخر

□ جعفر توکلی

● دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی

روستاها، شامل مواردی چون «تحول در بافت روستاها»، «تغییر نوع شکل و کارکردهای مسکن» و ... بوده است؛ به گونه ای که ترکیب ظاهری ساختمانهای مسکونی، منطبق با مسکن روستایی در منطقه نبوده و بیشتر سری سازی شده است.

از نظر کارکرد نیز فاقد فضایی مناسب برای فعالیتهای دامداری و کشاورزی روستاییان بوده و در عمل فعالیتهای فوق را محدود نموده است. با توجه به موارد یاد شده، در تحقیق مذکور تأکید شده است تا حد ممکن از جابه جایی روستاها اجتناب شود مگر اینکه محرز شود جابه جایی روستا و تغییر محل، به توسعه و بهبود وضعیت آن، منجر خواهد شد.

چنانچه به دلایلی، جابه جایی و ادغام روستاها در اولویت قرار گیرد، برای کاهش عوارض منفی اجتماعی، اقتصادی و فنی آن، پیشنهادهایی وجود دارد. از جمله اینکه روستاهایی که در

ادغام، میزان و نحوه واگذاری زمین، نحوه تلقی و نگرش اهالی روستاها به جابه جایی و ادغام و ... را مورد بررسی قرار داد. براساس نتایج به دست آمده از این تحقیق از بعد «اجتماعی»: جابه جایی و ادغام روستاها، به «افزایش مهاجرت»، «تغییر نظام همسایگی»، «افزایش تمایز طبقاتی بین اهالی»، «دگرگونی بعد خانوار و تبدیل خانوارهای گسترده و بزرگ به خانواده های هسته ای و کوچک»، «دگرگونی در روابط اجتماعی» و ... منجر شده است. در ضمن، جابه جایی و ادغام روستاها به لحاظ «اقتصادی» نیز عوارض و اثراتی از قبیل «دگرگونی در ساختار شغلی»، «فروپاشی اقتصاد دامی»، «افزایش مشاغل خدماتی» و «کاذب»، «کاهش فعالیتهای کشاورزی»، «ایجاد روحیه مصرفی و مصرف زدگی»، «کاهش درآمد» و ... را در بر داشته است.

همچنین پیامدهای «فیزیکی» جابه جایی و ادغام

در بررسی انجام شده در خصوص پیامدهای اجتماعی-اقتصادی جابه جایی و ادغام روستاها در مناطق زلزله زده رودبار و منجیل حدود ۱۲۰ روستا از استانهای گیلان و زنجان که بر اثر حادثه زلزله خرداد ۱۳۶۹ به طور کامل تخریب شده و در مرحله بازسازی، جابه جا و یا با روستاهای دیگر ادغام شده اند، مورد مطالعه قرار گرفته است. محقق با توجه به نقش بازسازی مناطق روستایی آسیب دیده در جریان حوادث طبیعی از جمله زلزله، سیل ... و لزوم برنامه ریزی و راهبرد دقیق و مشخص در این زمینه، بر اهمیت موضوع به لحاظ شناخت و آگاهی که از اثرات اجتماعی-اقتصادی جابه جایی و ادغام روستاهای مذکور حاصل می شود و تأثیر سازنده ای که در برنامه ریزیها و تصمیم گیریهای آتی خواهد داشت، تأکید نموده است. وی با بیان وضعیت جابه جایی و ادغام روستاهای مذکور از نظر زمان و عامل جابه جایی، فاصله تا روستاهای قدیم، علت های جابه جایی و

معرض تهدید حوادث طبیعی و در عرصه های خطر خیز قرار دارند، قبلاً شناسایی شده و با مطالعه تمامی جوانب فنی، اجتماعی، اقتصادی و ... لازم، پیش از رخداد خطر، به محل جدید منتقل شوند تا هنگام وقوع حادثه، اقدامهای عجولانه و بررسی نشده، صورت نگیرد و عوارض اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فنی کمتر و صدمات و خسارات ناچیزتری بروز نماید (۶). تحقیق دیگری نیز در این زمینه توسط کارشناسان مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی با عنوان «زلزله جغدان» انجام شده که نتایج اجتماعی و اقتصادی تجمیع و ادغام روستاهای زلزله زده را مورد بررسی قرار داده است. در زلزله فروردین ۱۳۵۶ با شدت ۶ ریشتر در استان چهارمحال و بختیاری، ۵۵ روستا خسارت دید که در این مورد روستای جغدان، خسارتهای جانی و مالی بیشتری را متحمل شد.

پس از وقوع زلزله، به اهالی این روستا و چهار روستای همجوار آن شامل «چهاراز»، «ظلم آباد» و «ده آب»، «ده نو» وعده ساختن شهرکی داده شد. روستاییان عمدتاً به دلیل آبادانی بیشتر و دریافت خدماتی نظیر مدرسه، درمانگاه، کارخانه، راه، سهولت ارتباط با شهر، آب لوله کشی، برق و ... پذیرای این طرح شدند. لیکن در عمل آنها با مشکلات عمده‌ای در زمینه «تولید» رو به رو شدند، چنانکه دامهای اهالی روستاهای دیگر از مراتع جغدان استفاده کرده و باعث فرسایش مراتع آنها می شدند و همچنین به زراعت و باغداری آنان نیز لطمه می زدند.

علاوه بر این، از هم پاشیدگی شبکه خویشاوندی که بر شکل گیری محل استقرار سابق آنها بسیار موثر بوده است، جدا بودن آغل و طویله از محل سکونت در شهرک، دور بودن محل سکونت روستاییان از محل کار و تولید و ...، ناسازگاریهای گروهی را رواج داده و آرامش جامعه روستایی و دهات

ادغام شده را به هم ریخته است. (۶، ص ۱۸) مطالعه دیگر در این زمینه به تجربه بازسازی مناطق زلزله زده جنوب خراسان مربوط می شود. به دنبال وقوع زلزله ۲۳ آبان و ۶ آذر ۱۳۵۸ در سطح شهرستانهای «گناباد»، «خواف» و «تایباد» و خسارتهای و تخریبهای به وجود آمده در این مناطق، اقدامهای شتابزده، بدون مطالعات لازم و طراحیهای مناسب در امر بازسازی مناطق روستایی به عمل آمد که از سوی وزارت مسکن و شهرسازی مورد تجدید نظر قرار گرفت. طرحهای بازسازی با مشکلاتی در زمینه مسائل اجتماعی-اقتصادی مواجه بودند که عمدتاً ناشی از کمبود مطالعات لازم و کافی روستایی برای رسیدن به یک برنامه بازسازی نسبتاً مناسب با محیط انسانی، محیط طبیعی و محیط معماری سرزمین و نیز انجام بازسازی به گونه ادغام چند روستا در یک نقطه و انتخاب زمینهای نامناسب در برخی از طرحها بود. تحقیقات نشان می دهد که به علت بی توجهی به مسائل حیاتی، اقتصادی (تولیدات دامی و کشاورزی)، اجتماعی و فرهنگی در درجه نخست و محیط طبیعی در درجه دوم،

طرح بازسازی مربوط به ادغام روستاها موفق نبوده است. لذا پس از تحقیق مذکور، با اصلاحات و بازنگریهای لازم، از پنج طرح ادغامی که در «گناباد»، «خواف» و «قائن» در برنامه کار مسئولان بازسازی قرار داشت، تنها یک مورد که شامل ادغام سه روستای «حاجی آباد»، «مقیح آباد» و «نعمت آباد» با جمعیتی معادل ۱۲۷ خانوار بود به مرحله اجرا درآمده و مابقی موارد، منتفی شد.

بررسیهای گروه تحقیق در مورد طرح ادغام سه روستای «چاه نمک»، «چاه میغونی» و «حسن آباد» از شهرستان گناباد نیز حاکی از آن است که با توجه به اقتصاد مسلط دامداری، ادغام موجب عدم امکان بهره برداری از مراتع گذشته و وارد آمدن فشار مضاعف بر مراتع محل تجمیع روستاها شده است و همچنین قناتهای مورد استفاده روستاهای مذکور، متروک شده و ائتلاف منابع محدود آب را در پی داشته است. علاوه بر این، شیوه کشت بندساری که مستلزم وجود قنات و محیط مناسب بوده و در حاشیه روستاهای مذکور چندین بندسار وجود داشته، از



بازسازی مناطق سیلزده و ادغام روستاها

از دیگر تجربه‌های موجود در این زمینه، بازسازی مناطق سیلزده است که در مواردی به جابه‌جایی و ادغام روستاهای سیلزده منجر شده است. برای مثال، طبق طرح جابه‌جایی روستاهای سیلزده سیستان و بلوچستان و براساس تصمیم مقامهای ملی و محلی جهت جلوگیری از خسارتها و آسیبهای ناشی از سیل و نیز ممانعت از داد و ستدهای غیر قانونی در نوار مرزی ایران و افغانستان، ۱۳۸ روستا با تلاش بنیاد مسکن جابه‌جا شده و در ۲۹ مجتمع اسکان یافتند. شایان ذکر است حداقل روستای تجمیع شده شامل دو روستا و حداکثر ۲۱ روستا و کمترین تعداد خانوار در مجتمعها نیز ۱۳ خانوار و بیشترین آن، ۱۲۰۰ خانوار روستایی بوده است که در مجموع ۵ هزار خانوار جابه‌جا شده‌اند. در تجمیع روستاهای فوق، توزیع متعادل جمعیت رعایت نشده است، به طوری که ۶۵ درصد کل جمعیت جابه‌جا شده، تنها در چهار مجتمع و بقیه در ۲۵ مجتمع استقرار یافته‌اند.

برخی از پیامدهای منفی این طرح عبارت‌اند از: ۱- عدم تخلیه برخی از روستاها، بویژه در مناطق مرزی و خودداری جمعیت ساکن در این روستاها از انتقال به محللهای مورد نظر در مجتمع، چنان‌که این امر در مواردی موجب دخالت نیروی انتظامی و تخریب روستاهای قدیم شد. با توجه حساسیت منطقه از لحاظ سیاسی و امنیتی چنین اقدامهایی بی‌تردید مشکلاتی را در آینده به وجود خواهد آورد.

۲- وجود موانع و محدودیتهایی در زمینه خدمات-رسانی به مجتمعها از یک سو و عدم توانایی مالی ساکنان برخی روستاها جهت تکمیل واحدهای ساختمانی در مجتمع از سوی دیگر، باعث دو مکانه شدن اهالی روستاهای مذکور شده است. ۳- فاصله بین محل احداث مجتمعها با مکان استقرار قبلی روستاها که محل کار و فعالیت آنها بوده، موجب بروز مشکلاتی در زراعت و دامپروری آنها شده است.

از طرفی در مجتمعها محلی برای نگهداری و

کردنند، این مغازه‌ها موقعیت ویژه و خاصی دارد که باعث نارضایتی عمیق اهالی «لیاول علیا» شده است و همین امر کدورت عمیقی را بین جمعیت دو روستا - که اینک در دو سوی یک خیابان در این شهرک جدید زندگی می‌کنند به وجود آورده است و باب گله و شکایت و نیز گفتگوهای غیر دوستانه در بین آنان در محل را باز کرده است.

۲- در ساختمانهای شهرک احداث شده و یا در جوار آنها، محلی برای نگهداری دام پیش‌بینی نشده است و به این علت کار دامداری مردم با محدودیتهای و مشکلاتی مواجه شده است. ۳- وجود یک چشمه از قبل مورد دعوی اهالی این چهار روستا بوده که بر حسب رأی دادگاه، حق استفاده از چشمه به اهالی «لیاول» واگذار شده و آنان هم برای اراضی کشاورزی خود در محل قدیم از آن بهره‌برداری می‌کنند. بعد از وقوع زلزله، در محل جدید، آب چشمه به هر چهار محل، لوله‌کشی شده و همگی از آن استفاده می‌کنند و این امر خود موجب بروز اختلاف شده و مانعی اساسی برای بسط روابط اجتماعی بین این دسته از روستاهای ادغام شده می‌باشد.

وجود مسائل ریشه‌دار در مالکیت و حق بهره‌برداری از منابع خاک و آب، پدید آمدن باور داشتهای ذهنی جدید در زمینه این مسائل، تحول در ارزشهای اجتماعی، تغییر در سنتهای متداول در هر محل به علت ایجاد ارتباط با همسایگان جدید، تحول در قومیت‌های خانوادگی و کاهش در نظارت‌های اجتماعی و کم و بیش شروع و رواج برخی مفاسد اجتماعی، از جمله پدیده‌های نوظهور و بازتاب منفی ادغام چهار روستای موصوف می‌باشد. (۸، ص ۶-۸)

تجمیع در دو روستای زلزله‌زده «جمال آباد» و «باکلور» از استان زنجان نیز با تبعاتی همچون محو فرصتهای شغلی و رواج بیکاری، تحلیل تدریجی کیفیت هر جامعه، عدم احساس امنیت اجتماعی، عدم تطابق الگوی جدید مسکن با شیوه معیشت و ارزشهای فرهنگی مواجه بوده است. (۸، ص ۸-۱۰)

بین رفته است. در ضمن زاغه‌های مورد استفاده حفر شده توسط روستاییان در تپه‌های اطراف روستاها جهت آغل دام، متروک و بلا استفاده شده و از طرفی وابستگیهای شخصی، فرهنگی و اجتماعی نظیر تعلق خاطر به مکانهایی چون «امامزاده»، «حسینی»، «قبرستان» و ... پذیرش طرح را بامشکل مواجه ساخته است. در این تحقیق همچنین به ادغام چند روستای مرزنشین شهرستان «خواف» در یک نقطه و مشکل متروکه شدن و عدم بهره‌برداری از منابع آب و خاک و مراتع مناطق مرزی اشاره شده و بر اهمیت آن به عنوان مسئله‌ای ملی و راهبردی تأکید شده است. چنان‌که یکی از دامداران در یکی از روستاهای مرزنشین به بیان ساده می‌گفت: «اگر ما برای سکونت به لافی (محل اسکان جدید) برویم، دامدارهای افغانی مراتع ما را اشغال می‌کنند».

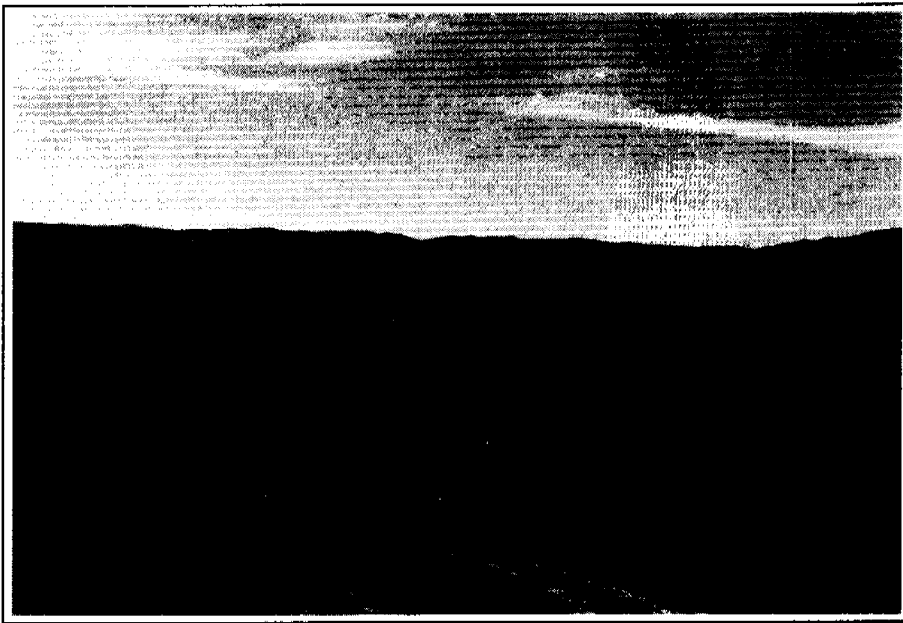
در اینجا حضور و بهره‌برداری از مراتع نوار مرزی، علاوه بر جنبه اقتصادی، اهمیت سیاسی نیز دارد. (۵، ص ۸۱-۸۸)

تجربه دیگر مربوط به ادغام و جابه‌جایی روستاها پس از زلزله مرگبار ۳۱ خرداد ۱۳۶۹ در استانهای گیلان و زنجان است.

ستادهای معین مسئول امر بازسازی در برخی موارد به علت ناپایداری عرصه و در بسیاری موارد به خاطر سهولت دسترسی و خدمات رسانی آسانتر، به تجمیع و جابه‌جایی روستاهای زلزله‌زده اقدام کردند. یکی از موارد، موسوم به «چهار محل براسر» و «یابره سر» در بخش عمار سوی شهرستان رودبار بود که ستاد معین بازسازی در طرحی، روستاهای لیاول علیا، هاشمیان، سوسف و سرمل از دهستان «خورکام» در این بخش را در جوار روستای «بره سر» که مرکز دهستان مزبور بود، تجمیع نمود.

این تجمیع پیامدهای اجتماعی و فرهنگی زیر را در بر داشت:

۱- در جریان خانه‌سازی برای روستاییان هر ده در اراضی دیم، ساختمانهای مربوط به روستاییان «هاشمیان»، در اراضی دیم «لیاول علیا» قرار گرفته و از آنجایی که آنها مغازه هم احداث



چرای دام در نظر گرفته نشده است.

۴ روشن نبودن وضعیت مالکیت ارضی در محل جدید پس از گذشت دو سال از اجرای طرح و احداث مجتمعها

۵ عدم توجه به مسائل اجتماعی-اقتصادی نظیر قومیت، مذهب، نوع فعالیت اقتصادی و...، زمینه را برای بروز برخی مشکلات از جمله استفاده از امکانات عمومی و... بین اهالی روستاهای تجمع شده فراهم ساخته است. (۶، ص ۷۱-۷۶)

اصلاحات ارضی و ادغام روستاها

از دیگر عواملی که به جابه جایی جمعیتهای روستایی و ادغام روستاها در یکدیگر منجر شده، اصلاحات ارضی رژیم گذشته است که در جریان آن، برخی مالکان برای رهناندن مقدار بیشتری از اراضی خویش از شمول قانون، روستاهایی را در یکدیگر ادغام کردند و به این ترتیب از تقسیم اراضی روستاهای تخلیه شده بین روستاییان جلوگیری نمودند. در این مورد «حسین مهدوی» در مقاله ای «تحولات سی ساله یک ده در دشت قزوین» را بررسی کرده و به اثرات اصلاحات ارضی در محو یک روستا و تبدیل آن به یک مزرعه بدون رعیت و انتقال سکنه آن به روستای مجاور اشاره کرده است.

روستای مزبور در سال ۱۳۳۳، ۱۸ خانوار جمعیت داشته و روابط ارباب رعیتی بر آن حاکم بوده است. در سال ۱۳۴۳ ارباب روستا جهت جلوگیری از تقسیم اراضی بین رعایا آنها را به روستای مجاور که متعلق به خود او بوده، انتقال داده و دو روستا را در یکدیگر ادغام کرده است.

بدین ترتیب قانون اصلاحات ارضی شامل حال مزرعه جدید نشده و اراضی مزبور به نصفه کاران واگذار و سپس به یک واحد کشت و صنعت و دامداری تبدیل شده است. (۱۴، ص ۵۴)

احداث شرکتهای کشت و صنعت

و ادغام روستاها

ایجاد واحدهای کشت و صنعت نیز در ایران موجب جابه جایی جمعیتهای روستایی و تجمع روستایی و تجمع آنها در شرکتهای احداثی شده است؛ چنان که در این رابطه حدود ۳۰۰ هزار نفر از دهقانان کشور بی خانمان شدند. برای مثال سازمان آب و برق خوزستان، اراضی ۵۵ هزار خانوار را که از طریق اصلاحات ارضی صاحب زمین شده بودند به اجبار خریداری و به ۶ کمپانی کشت

«حسین مهدوی» در مقاله ای «تحولات سی ساله یک ده در دشت قزوین» را بررسی کرده و به اثرات اصلاحات ارضی در محو یک روستا و تبدیل آن به یک مزرعه بدون رعیت و انتقال سکنه آن به روستای مجاور اشاره کرده است. روستای مزبور در سال ۱۳۳۳، ۱۸ خانوار جمعیت داشته و روابط ارباب رعیتی بر آن حاکم بوده است. در سال ۱۳۴۳ ارباب روستا جهت جلوگیری از تقسیم اراضی بین رعایا آنها را به روستای مجاور که متعلق به خود او بوده، انتقال داده و دو روستا را در یکدیگر ادغام کرده است. بدین ترتیب قانون اصلاحات ارضی شامل حال مزرعه جدید نشده و اراضی مزبور به نصفه کاران واگذار و سپس به یک واحد کشت و صنعت و دامداری تبدیل شده است.

و صنعت خارجی واگذار کرد. علاوه بر این جهت یکپارچه کردن اراضی واحدهای کشت و صنعت فوق، ۵۸ ده نیز با خاک یکسان شد. یکی از نتایج فوری اجرای این طرح، «افزایش بیکاری» هم در میان زارعان و هم در میان خوش نشینان منطقه بود. دهقانان نه فقط منبع اصلی تأمین معاش خود، بلکه ماهیت جامعه شناختی و فرهنگی خود را نیز از دست دادند. برخی از زارعان مذکور به سایر نقاط خوزستان مهاجرت کردند و تعدادی نیز در پنج شهرک ساخته شده تا آن زمان (تا سال ۱۳۵۶) اسکان یافتند (حدود ۲ هزار خانوار روستایی در این شهرکها اسکان یافتند).

شایان ذکر است که این گروه نیز از زارعان مرفهی بودند که توانایی پرداخت پیش قسط خانه را داشتند در حالیکه زارعان فقیر و خوش نشین، در اطراف ده اولیه خود در وضع نامساعدی به سر می بردند. خانه های ساخته شده خیلی کوچک و فاقد تجهیزات مناسب و مورد نیاز خانوار روستایی بود به گونه ای که امکان نگهداری دام، وجود نداشت و همچنین در خانه، تسهیلات آب آشامیدنی و دستشویی وجود نداشته و این امکانات، عمومی بودند.

علاوه بر این، به علت تنوع قومی ساکنان

شهرکها، تنشها و اختلافاتی در بین آنان بروز می کرد که چون این مناطق در تقسیمات سیاسی کشور جایی نداشتند، لذا هیچ مقامی، مسئولیت مسائل امنیتی، قضایی و اجتماعی این مجتمعه را به عهده نمی گرفت. بنابراین هیچ کدام از شهرکها از امکانات بهداشتی، تعلیم و تربیت، مسائل ایمنی و ... که معمولاً توسط دولت تأمین می شود، بهره مند نبودند، در حالی که درآمد آنان نسبت به قبل از انتقال به شهرکها و کار در شرکتهای کشت و صنعت کاهش یافته بود. (۲، ص ۲۲۹)

تجمع و ادغام آبادیهای جنگلی

به دنبال سیاستگذاری سازمان جنگلها و مراتع کشور برای جلوگیری از تخریب جنگلهای شمال کشور، اولین نمونه طرح «تجمع آبادیهای زیر ۲۰ خانوار جنگلی» در جوار روستای «ینقاق» از توابع شهرستان مینودشت اجرا شد.

پس از اجرای طرح مذکور، دکتر مصطفی ازکیا در بازدیدی از محل، مسائل و مشکلات موجود و پیامدهای طرح را بررسی نموده است.

طبق مشاهده های ایشان از منطقه، اراضی

اولین نمونه طرح «تجمع آبادیهای زیر ۲۰ خانوار جنگلی» در جوار روستای «ینقاق» از توابع شهرستان مینودشت اجرا شد. پس از اجرای طرح مذکور، دکتر مصطفی ازکیا در بازدیدی از محل، مسائل و مشکلات موجود و پیامدهای طرح را بررسی نموده است. طبق مشاهده های ایشان از منطقه، اراضی واگذار شده به کشاورزان ظاهراً آبی بوده، اما به علت کافی نبودن سهم آنان از حق آب واحدهای تولیدی مشاع که در آن عضویت دارند، اراضی آنها در عمل به دیم تبدیل شده و میزان برداشت محصول گندم نسبت به سال اول اسکان، ۵۰ درصد کاهش یافته است به طوری که دهقانان ناگزیر به انجام کارگری در مزارع روستاهای مجاور و تأمین معاش خانوار شده اند.

از طرح که به احساس بیگانگی اجتماعی در میان دهقانان اسکان یافته، بروز اختلافاتی بر سر آب شرب بین آنان و اهالی روستای مجاور و نزاعهای گروهی بین آنها و نیز مشکل تهیه و خرید نان از آن روستا و مواردی از این قبیل انجامیده، اشاره نموده است. (۳، ص ۱۱)

یکی از مشکلات مهم اجتماعی ناشی از ادغام، بی هویتی روستای جدید التأسیس است. اهالی این روستا به نام جنگل نشینها موسومند و این امر خود نوعی توهین به آنان تلقی می شود.

چنان که «جنگل نشینی» در عرف روستاییان ساکن در دشت به معنی بی فرهنگی، بی تمدنی و ابتدایی می باشد. «جنگل نشین» به معنی انسانی است که از فرهنگ شهری و روستایی به دور است و این اصطلاح با خود بار ارزشی همراه با توسعه نیافتگی را دارد. (۳، ص ۱۱)

مجموعه مشکلات و سر درگمیهای فوق، موجب شده تا احساس بازگشت به منطقه اصلی در میان برخی افراد قوت بگیرد. بررسی انجام شده نشان می دهد که برخی از دهقانان به هنگام دلتنگی ناشی از نابسامانیهای اجتماعی موجود، به روستای اولیه خود پناه می برند تا از این طریق بتوانند به نوعی آرامش دست یابند.

(۳، ص ۱۰-۱۱)

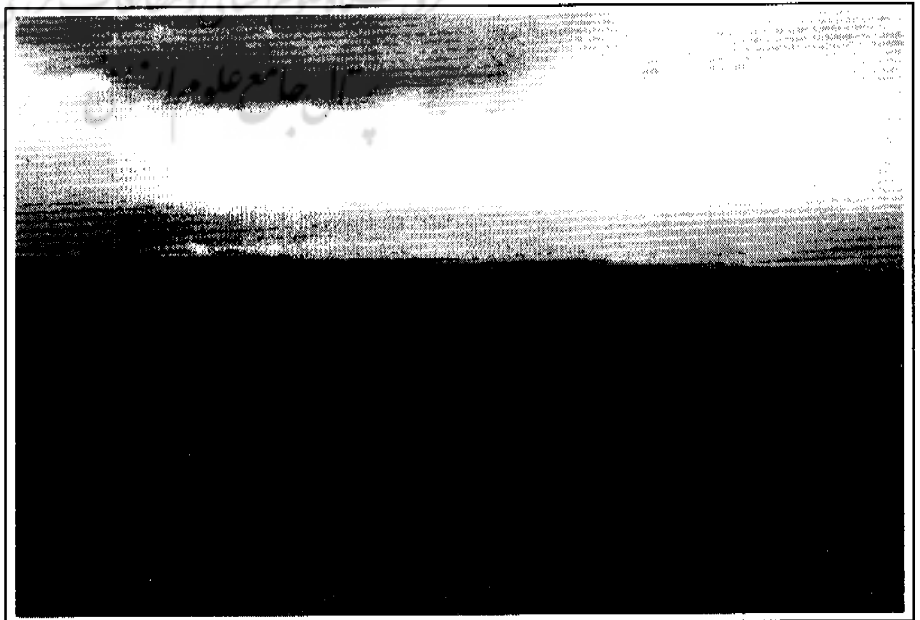
تحقیق دیگری که در این زمینه انجام شده،

واگذار شده به کشاورزان ظاهراً آبی بوده، اما به علت کافی نبودن سهم آنان از حق آب واحدهای تولیدی مشاع که در آن عضویت دارند، اراضی آنها در عمل به دیم تبدیل شده و میزان برداشت محصول گندم نسبت به سال اول اسکان، ۵۰ درصد کاهش یافته است به طوری که دهقانان ناگزیر به انجام کارگری در مزارع روستاهای مجاور و تأمین معاش خانوار شده اند.

همچنین اراضی واگذار شده با محل سکونت کشاورزان ۲ تا ۳ کیلومتر فاصله دارد که در امر تولید کشاورزی ایجاد اختلال و مشکل نموده است.

(۳، ص ۹)

ازکیا در این بررسی به مسائل اجتماعی ناشی



«اثرات اجتماعی-اقتصادی تجمیع آبادیهای مذکور» را بررسی کرده است.

این بررسی نشان‌دهنده پدید آمدن برخی پیامدهای اجتماعی-اقتصادی مثبت و منفی در زندگی و شیوه معیشت مضمولان طرح

یکی از مشکلات مهم اجتماعی ناشی از ادغام، بی‌هویتی روستای جدید التاسیس است. اهالی این روستا به نام جنگل نشینها موسوم‌اند و این امر خود نوعی توهین به آنان تلقی می‌شود. چنان که «جنگل نشینی» در عرف روستاییان ساکن در دشت به معنی بی‌فرهنگی، بی‌تمدنی و ابتدایی می‌باشد. «جنگل نشین» به معنی انسانی است که از فرهنگ شهری و روستایی به دور است و این اصطلاح با خود بار ارزشی همراه با توسعه نیافتگی را دارد.

است که به اختصار به آنها اشاره می‌شود:

۱- تبدیل خانوارهای کلان و گسترده به خانوارهای هسته‌ای و کوچک

۲- نبود اختلافات حاد و ریشه‌ای در بین مضمولان طرح و قرار گرفتن در موقعیت و وضعیت مشابه با مسائل و مشکلات مشترک، موجب افزایش وحدت آنان در مواجهه با روستاهای اطراف شده است.

۳- دسترسی آسان به امکانات آموزشی و افزایش اوقات بیکاری و فراغت، موجب ارتقای سطح سواد و سوادآموزی و ادامه تحصیل در جامعه مورد مطالعه شده است.

۴- مسطح و یکپارچه بودن اراضی واگذار شده، باعث افزایش ماشینی شدن کشاورزی شده است.

۵- افزایش مکانیزاسیون عملیات کشاورزی، موجب کاهش تعداد دام و کمی تنوع محصولات تولیدی، کم شدن مساحت زمین زارعی نسبت به گذشته و... شده و همچنین افزایش بیکاری در جامعه مورد بررسی را به همراه داشته است.

۶- به علت دسترسی بهتر و آسانتر به بازارهای محلی، شرایط مبادله و خرید و فروش نسبت به گذشته بهبود یافته است.

۷- شیوه معیشت جامعه مورد بررسی از یک اقتصاد خود کفا و بسته و مبتنی بر دامداری و زراعت، به نظام اقتصادی متکی بر تولید محصولات نقدی تغییر یافته است.

۸- الگوی مصرف و نیازهای مصرفی جامعه مورد بررسی تغییر یافته و به شیوه و روش مصرف جوامع روستایی و شهری اطراف محل تجمیع، نزدیک شده است و در نتیجه مخارج خانوار نسبت به گذشته افزایش یافته است.

این امر در حالی است که «درآمد» آنان از طریق کشاورزی و تولیدات وابسته به آن به دلیل کاهش شدید دامداری، دیمزار شدن نیمی از اراضی آبی و گذار شده بر اثر بی‌آبی و حذف فعالیت‌های پرورش کرم ابریشم و زنبور عسل پایین آمده است.

۹- آگاه نکردن جامعه میزبان و عدم هماهنگی با ایشان در مورد اجرای طرح، ناراحتی روحی و بروز اختلافاتی را بر سرزمینهای زراعی، آب شرب و زراعی به وجود آورده و استفاده جامعه مورد بررسی از امکانات و خدمات عمومی روستاهای مجاور نیز درگیریها و اختلافات متعددی را سبب شده است که هر کدام می‌توانند بحران ساز باشند.

۱۰- از جمله مسائلی که جامعه مورد بررسی به طور محسوس با آن برخورد دارد، نبود یا کمبود زمین و اشتغال برای جوانان و بیکاری شدید در بین آنان است که با توجه به افزایش سطح مکانیزاسیون نسبت به گذشته، این امر قابل تعمق می‌باشد. (۴)

تجربه های سایر کشورها در زمینه تجمیع

باید اذعان داشت که متأسفانه بیشتر پروژه‌های اسکان در جهان سوم، فاقد مطالعات اجتماعی-اقتصادی لازم بوده و لذا در عمل با شکست رو به رو می‌شوند. در این

مقاله به تجربیات برخی از کشورها در زمینه تجمیع روستاها و اسکان مجدد جمعیت‌های روستایی اشاره شده است:

تجربه ترکیه

تجربه بازسازی شهرهای زلزله زده در ترکیه نشان می‌دهد که در اکثر موارد ساختن شهر جدید و جابه جایی و تغییر محل سکونتگاه، مشکلات زیادی را پدید آورده و مکان‌های جدید مورد قبول اهالی نبوده است. زیرا مسائلی از قبیل «نزدیکی به زمینهای زراعی» و «منابع آب» را در نظر نگرفته و خانه‌های ساخته شده، کوچک بوده و مناسب برای نگهداری دام و مساعد شرایط اقلیمی و فرهنگی منطقه نبوده‌اند. این خانه‌ها عمدتاً بازتاب ارزشهای قشر متوسط شهری بودند که به کلی با ارزشها و تمایلات روستاییان منطقه مغایرت داشتند. (۶، ص ۹۳-۹۴)

تجربه تانزانیا

از جمله تجربه های موجود در این زمینه، طرح «عجما» در کشور تانزانیا می‌باشد. این طرح در سال ۱۹۶۷ توسط دولت تانزانیا و با الهام از نظریه‌های «نایر» مطرح شد که بر اساس آن واحدهای کوچک کشاورزی با توجه به اصول تولید و توزیع اشتراکی و موافق با اصول تعاونی سنتی طراحی و اجرا شد. در این طرح، تولید، توزیع و بازاریابی به شکل تعاونی بوده و درآمد به نسبت کار بین افراد تقسیم می‌گردید.

عموم اعضا در تصمیم‌گیریها مسئولیت مشترک داشته و دولت نیز عهده‌دار ارائه رهنمود و تأمین سرمایه و خدمات بود. (۱، ص ۱۵۸-۱۵۹)

حرکت مردم روستایی به سوی عجما و اسکان در روستاهای عمرانی طبق فرمان رئیس جمهور باید داوطلبانه صورت می‌گرفت؛ اما در عمل، دخالت مستقیم دولت و حزب، بتدریج افزایش پیدا کرده و با فشار ارتش و میلشیا در سال ۱۹۷۵، ۶ میلیون

روستانشین پراکنده در روستاهای عجم، اسکان یافتند. (۱، ص ۱۵۹)

مهمترین هدف «عجم» عبارت بود از تسهیل در:

□ بهره‌وری مؤثر از توانمندیها برای افزایش بهره‌دهی تولیدات کشاورزی و غیر کشاورزی
□ استفاده مؤثر و کارآمدتر از خدمات عمومی نظیر آب آشامیدنی، اماکن عمومی، مدارس و سایر خدمات رفاهی اجتماعی
□ استقرار سازمان تولیدی کارآمدتر و نیز استفاده بهینه از نیروی کار در بخش روستایی
□ استقرار یک شیوه سوسیالیستی (اشتراکی)
□ مشارکت فزاینده روستاییان در اتخاذ و اجرای تصمیمهایی که به زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنان مربوط بود.
(۶، ص ۸۹)

انتقادهای وارده از سوی برخی محققان به این طرح نشان می‌دهد که طرح به هدفهای مورد نظر دست نیافته است.
از جمله انتقادهای وارد شده به طرح مذکور عبارت‌اند از:

□ کندی حرکت به سمت افزایش تولید جمعی به خاطر بازدهی ناچیز قطعات اشتراکی
□ اعضا تنها به خاطر نیازمندیهای شخصی خود و به امید دستیابی یا بسط تولیدات کشاورزی و نیز دسترسی به تسهیلات اعتباری دولتی و ماشین آلات به دهات «عجم» پیوستند و بندرت دیده شد که نسبت به مزایای تولید جمعی قانع شده باشند.
□ در موارد دیگر نیز ساکنان دهکده‌ها، عمدتاً دهقانان فقیری بودند که از سایر مناطق به منظور کاهش فشار جمعیت، به اراضی نقدی کاری، کوچ داده شده بودند که بلافاصله مورد سوءاستفاده زارعان مرفه مزارع تجاری قرار گرفتند.

تنها مزیت اجرای طرح، خدمات رسانی آسانتر و کنترل ساده‌تر و مؤثرتر جمعیت دهقانان بود. (۱، ص ۳-۱۶۲)

تجربه زیмбаوه

دولت زیмбаوه پس از استقلال این کشور به اتخاذ یک راهبرد توسعه روستایی مبنی بر توزیع مجدد زمین و اسکان دهقانان فاقد زمین مبادرت نمود. بر این اساس پیش‌بینی شده بود که تا سال ۱۹۸۵ حدود ۱۶۲ هزار خانوار اسکان یابند اما تا اواسط ۱۹۸۹ فقط حدود ۵۲ هزار خانوار روستایی در منطقه‌ای به وسعت تقریبی ۳ میلیون هکتار و در سکونتگاههای مختلف استقرار یافتند. برنامه اسکان به دلایل زیر کندتر از آن چه که پیش‌بینی شده بود، پیشرفت داشت:

□ وجود موانع طبیعی برای دسترسی به زمین
□ فقدان بودجه کافی برای خرید و توسعه اراضی مورد نیاز طرح
□ وقوع قحطیهای مکرر در اواسط دهه ۱۹۸۰

□ تردید در ثمر بخش بودن نتایج برنامه ریزی مذکور
□ همکاری برخی سیاهپوستان تازه به دوران رسیده و متنفذ با طبقات زمیندار.

با توجه به موارد یاد شده، با طرح اسکان تنها دگرگونی اندکی در مورد میزان و قابلیت تولیدات زراعی اراضی واگذار شده، مشاهده شد.
اکثر زمینهای واگذار شده برای اسکان جمعیت، در مناطق کشاورزی قرار داشت و این امر مشکلاتی را در زمینه اجرای طرح ایجاد کرد و این مسائل باعث شد دولت زیмбаوه در برنامه دوم توسعه (۱۹۸۶-۱۹۹۰) تغییرات و اصلاحاتی را در برنامه‌های اسکان خود به وجود آورد و تنها اسکان مجدد سالانه ۱۵ هزار خانوار را پیشنهاد کند. (۶، ص ۹۱-۹۲)

تجربه مالزی در مورد طرح‌های اسکان

به دنبال اقدامهایی که در مالزی در زمینه توسعه روستایی آغاز شده بود، در سال ۱۹۷۱ سیاست اقتصادی جدیدی به منظور «ریشه کن ساختن فقر» و «نوسازی بنیاد جامعه برای

تصحیح عدم توازنهای اقتصادی» اعلام گردید.

بر این اساس مقرر شد زارعان از نواحی محروم به مناطقی که ظرفیت توسعه بیشتری دارد انتقال یابند.

هر چند قرار بود کشاورزی محور فعالیت باشد، ولی یک رشته شهرک روستایی باید ساخته می‌شد تا برای ساکنان جدید، محیطهای شهری را فراهم می‌آورد. بزرگترین طرح اسکان در نظر گرفته شده، طرح «پاهانگ‌تنگارا» (Pahang tengara) بود که اسکان ۰/۵ میلیون نفر تا سال ۱۹۹۰ را در شهرکهای احداثی پیش‌بینی کرده بود.

در این طرح، احداث حداقل ۲۹ شهرک برای اسکان جمعیت روستایی در نظر گرفته شده بود. (۹، ص ۶۷-۶۸)

تجربه سریلانکا و برنامه توسعه شتابان ماهاولی

در سریلانکا برنامه‌های توسعه روستایی در حقیقت از استحصال آب رودخانه‌ای به نام «ماهاولی» آغاز گردید.

تأمین اراضی قابل آبیاری و ارائه خدمات دولتی به مردم نیازمند به آن، از جمله اقدامهای مهم این برنامه می‌باشد.

این برنامه، اسکان ۱۱۳ هزار خانوار از کشاورزان یا ۶۰۰ هزار نفر از مردم را شامل می‌شود. در این طرح، هر خانواری که جدید اسکان یابد حدود ۴۴۰۰ روپیه کمک دریافت می‌کند که این کمکها شامل مصالحی به ارزش ۱۷۵۰ روپیه جهت ساخت منزل، ۲۵۵۰ روپیه جهت احداث چاه آب آشامیدنی و یک توالت بهداشتی می‌باشد. کمکهای دیگر نیز شامل «دانه مجانی برنج»، «مواد گیاهی برای ساخت مسکن» و «دادن جیره غذایی» به هر خانوار به مدت ۱۵ ماه و هر نفر به مدت ۶ ماه تا زمان برداشت اولین محصول است.

در این طرح به ساخت سکونتگاه به صورت

محلی برای تولید و نه صرفاً استراحت و آسایش، عنایت خاصی شده است. پایه مراکز سکونتگاهی، دهکده‌ها هستند؛ به ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر خدمات ارائه می‌دهند و خدماتی که به این مراکز تعلق می‌گیرد عبارتند از: فروشگاه تعاونی، مدرسه ابتدایی، دفتر پست و یک مرکز خدمات. از هر چهار دهکده، یک روستا به عنوان مرکز انتخاب شده و به سه روستای دیگر خدمات رسانی می‌کند و این خدمات رسانی در یک نظام سلسله مراتبی از سطح روستا تا شهر صورت می‌گیرد. (۱۱)

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه که گذشت، تمامی طرح‌هایی که به جابه‌جایی «فیزیکی» و «مکانی» جمعیت‌های روستایی منجر شود، فارغ از اینکه چه «هدف‌هایی» را دنبال می‌کند یا از چه شیوه‌های اجرایی تبعیت می‌نماید و یا چه «ملاحظه‌هایی» را مورد نظر قرار می‌دهد یا «اینکه» آیا در مرحله اجرا و عمل موفق بوده‌اند یا با شکست مواجه شده‌اند و...، همگی با مسائل و مشکلات مشترکی مواجه‌اند که اجرای آنها را در مقیاس وسیع و در سطح گسترده، مشکل می‌کند. در این مقاله به بعضی از این موارد اشاره می‌شود:

□ طرح‌های فوق معمولاً یکی از پر هزینه‌ترین طرح‌ها و راه‌حل‌ها در مسیر دستیابی به هدف‌های توسعه روستایی و یا سایر هدف‌های مورد نظر از قبیل هدف‌های سیاسی، امنیتی و... می‌باشند.

□ چنین طرح‌هایی اغلب موجب ایجاد تغییرات سریع و ناگهانی در نحوه گذران زندگی و شیوه معیشت جامعه روستایی شده، فرصت و زمان انطباق و سازگاری با شرایط جدید را در اختیار آنها قرار نمی‌دهد. این امر به نوبه خود باعث بروز مشکلاتی در زندگی مشمولان طرح می‌شود؛ بخصوص اینکه تجربه‌های موجود نشان می‌دهد که

در کشورهای جهان سوم، بیشتر تغییرات بوجود آمده در جهت منفی است. □ در زمینه مسائل اجتماعی و فرهنگی، تمامی طرح‌های مزبور کم و بیش و به مراتب مختلف، اثرات و پیامدهای منفی دارند. مسائل و اختلافات قومی، برخورد‌ها و تنش‌های موجود بین جامعه میزبان و مهمان، اختلاف زبان و ارزش‌های فرهنگی و... از جمله این مشکلات هستند. □ این گونه طرح‌ها، بویژه «طرح اسکان عشایر» و یا «طرح تجمیع آبادیها» موجب هرز رفتن و بدون استفاده ماندن توانها و ظرفیتهای موجود در امر تولید و به هدر رفتن منابع پراکنده آب و خاک می‌شوند. □ تجربه‌ها و مطالعات بسیاری، نشان می‌دهند که جابه‌جایی جمعیت‌های روستایی و ادغام و تجمیع آبادیها، اغلب به افزایش مهاجرت به سمت شهرها در میان مشمولان طرح و همچنین تغییرات نامساعد الگوی مصرف و کاهش خود کفایی جوامع روستایی و به عبارت دیگر افزایش روحیه مصرف‌گرایی در میان آنان منجر می‌شود.

پیشنهادها

با توجه به مطالب یاد شده و مسائل و مشکلاتی که اجرای طرح‌های تجمیع و ادغام روستاها در پی دارند و به رغم منافعی که در زمینه تسهیل امور خدمات رسانی و... ممکن است وجود داشته باشند، این امر در مقیاس وسیع و به شکل راهبردی کلی برای توسعه روستایی توصیه نمی‌شود، بلکه باید به طرح‌های تجمیع و جابه‌جایی روستاها به عنوان آخرین راه حل نگریست و اجرای آن را به شرایط خاص و موارد ویژه، محدود کرد. مواردی که می‌توان از طرح تجمیع و ادغام روستاها استفاده نمود، عبارت‌اند از:

- ۱- روستاهایی که در عرصه‌های خطر خیز و در معرض انواع بلایای طبیعی نظیر زمین لغزش، سیل، خط‌گسل و زلزله و... قرار دارند و تنها راه حل، جابه‌جایی جمعیت آنها

باشد.

۲- مواردی که اجرای طرح‌های عمرانی نظیر احداث راه، سد و... فقط با جابه‌جایی جمعیت ساکن در عرصه‌های مورد نظر، امکان‌پذیر باشد.

۳- در مواردی که عرصه‌هایی با امکانات و توانهای تولیدی بالاتر و منابع آب و خاک غنی تری نسبت به محل سکونت فعلی موجود بوده و امکان افزایش اشتغال، درآمد و رفاه جامعه روستایی و دستیابی به توسعه بیشتر فراهم باشد و جمعیت روستایی نیز خود به اسکان در محل جدید رغبت داشته باشد. بعنوان نمونه‌ای مناسب برای این مورد - که نگارنده خود شاهد آن بوده است - می‌توان از طرح تجمیع آبادیهای پراکنده شهرستان «نهبندان» در جنوب خراسان یاد کرد. ساکنان این آبادیها در خانه‌های غار مانند زندگی می‌کردند. اراضی منطقه به طور عمده سنگلاخی و فاقد استعداد لازم برای کشاورزی بود.

جمعیت به جز دامداری هیچ درآمد تولیدی دیگری نداشتند و آنها در یک طرح اسکان مناسب و موفق، به اراضی مستعد و حاصلخیزتری منتقل و اسکان داده شدند و از وضعیت رفاهی مناسبتر و بهتری بهره‌مند شدند.

علاوه بر این چنانچه انجام طرح‌های تجمیع، ادغام روستاها و اسکان مجدد جمعیت‌های روستایی، ضروری باشد رعایت موارد زیر جهت کاهش هزینه‌های اجتماعی - اقتصادی و موفقیت هر چه بیشتر طرح‌ها لازم است:

□ قبل از اجرای این گونه طرح‌ها، مطالعات اجتماعی - اقتصادی لازم برای کاهش تبعات سوء و منفی ناشی از اجرای آنها انجام گیرد. □ تا حد امکان فرایند تجمیع، ادغام و اسکان مجدد جمعیت به طور داوطلبانه و خودجوش باشد و از مشارکت افراد در کلیه مراحل استفاده شود.

□ جمعیت شهرکها و عرصه‌هایی که

روستاییان در آن اسکان می‌یابند به گونه‌ای در نظر گرفته شود که از آستانه جمعیتی لازم برای بهره‌بندی از خدمات و تسهیلات دولتی مورد نیاز به طور مستقل، برخوردار شوند.

▣ اراضی زراعی، مسکونی و سایر کاربریها جهت گسترش و توسعه آینده این فضاها در نظر گرفته شود.

▣ برای افزایش تولید و اشتغال از جمله توسعه صنایع دستی روستایی، صنایع کارگاهی کوچک و بهره‌گیری مطلوب از تمامی استعدادها و ظرفیتهای تولیدی محل جدید - که اغلب تازه واردان از آن بی‌خبرند سرمایه‌گذاری لازم در نظر گرفته شود.

▣ لازمه اجرای موفقیت آمیز این گونه طرحها هماهنگی، ارتباط و همکاری نزدیک تمامی دستگاههای اجرایی ذی‌ربط و مسئول در امر اسکان می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌شود کلیه سازمانها و اداره‌هایی که به نحوی مسئول اسکان یا خدمات رسانی و برطرف نمودن مشکلات و نیازهای مشمولان طرح هستند از طریق قانونی، وظیفه مند و متعهد به انجام وظایف و تعهدات مربوطه شده و توسط یک ستاد هماهنگ کننده مرکزی هدایت و کنترل شوند.

فهرست منابع

- ۱- از کیا، مصطفی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، انتشارات اطلاعات، چاپ سوم، سال ۱۳۷۰.
- ۲- از کیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، سال ۱۳۶۹.
- ۳- از کیا، مصطفی، گزارش مقدماتی اقتصادی-اجتماعی طرح تجمیع روستاهای کم‌خانوار ساکن در جنگلهای گرگان و گنبد»، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.

۴- توکلی، جعفر «بررسی اثرات اجتماعی-اقتصادی طرح تجمیع آبادیهای تک‌خانوار (زیر ۱۲۰ خانوار) در مناطق جنگلی شمال کشور» طرح تجمیع جنگل نشینان منطقه گرگان و گنبد، فاز یک واقع در دهستان ینقاق از توابع شهرستان مینو دشت»، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۵.

۵- حبیبی، سید محسن و بیژن رفیعی سرشکی، بازسازی مناطق زلزله زده، جلد دوم، جنوب خراسان، گناباد، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، وزارت مسکن و شهرسازی، آذر ۱۳۶۵.

۶- رحمتی، محمد مهدی، پیامدهای اجتماعی-اقتصادی جابه‌جایی و ادغام روستاها در مناطق زلزله زده رودبار، منجیل، رساله کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۱۳۷۴-۱۳۷۵.

۷- شفیعی ثابت، ناصر، مسائل روستاهای پراکنده و امکان سنجی استقرار بهینه آنها (بررسی موردی در شهرستان دماوند) پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۷۳.

۸- شهبازی، اسماعیل «ادغام روستاها یک اشتباه بزرگ (تأسیس حوزه‌های توسعه و عمران روستایی، مدل درونزا، یک راه حل مؤثر»، مجموعه مقالات دومین کنفرانس برنامه ریزی و توسعه، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۱.

۹- فرید من، جان و مایک داگلاس، «توسعه روستا شهری»، ترجمه عزیز کیاوند، سازمان برنامه و بودجه، سال ۱۳۶۳.

۱۰- کردوانی، پرویز، بررسی مسائل ایجاد شهرک در مناطق بیابانی «بویژه کویری ایران»، مجموعه مقالات سمینار جغرافی، شماره ۱، مشهد؛ سال ۱۳۶۴.

۱۱- کریمی، کریم، فرهاد محلاتی و علی یدقار، گزارشی از برنامه‌های توسعه

روستایی کشور سربلانکا، اداره کل بهسازی معاونت عمران و صنایع روستایی وزارت جهادسازندگی (سابق)، سال ۱۳۶۶.

۱۲- «مجموعه سخنرانیهای سومین سمپوزیوم شهرسازی و معماری، شهرکهای روستایی»، دانشکده علم و صنعت ایران، سال ۱۳۵۲.

۱۳- مهاجرانی، مصطفی، «در آمیختن روستاها، بررسی یک معما»، همشهری، سال دوم، شماره ۵۰۸، چهارشنبه ۱۳۷۳/۷/۶.

۱۴- مهدوی، حسین، «تحولات سی ساله یک ده در دشت قزوین، مسائل ارضی و دهقانی»، انتشارات آگاه، سال ۱۳۶۱.

۱۵- میسرا، آرپی، چهار چوب مکانی برنامه ریزی دراز مدت چند سطحی در ایران با توجه خاص به استان فارس، مرکز آموزش و پژوهش در برنامه ریزی منطقه‌ای، سازمان برنامه و بودجه، سال ۱۳۵۳.

۱۶- نگاهی به برنامه‌های توسعه روستایی در کشور تایلند، اداره کل بهسازی و مسکن، معاونت عمران و صنایع روستایی وزارت جهاد سازندگی (سابق)، سال ۱۳۶۸.

۱۷- هومن، بهمن، «برنامه ریزی و ساماندهی روستاهای کوچک و پراکنده (بررسی موردی در دهستان لای سیاه شهرستان نائین)»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی؛ واحد شهر ری، سال تحصیلی ۱۳۷۴-۷۳.

18- cernea, Michael . M", Putting People First - Sociological Variables In Rural Development", A World Bank Publication, 1993.

